



فاطمه وکیل
تهیه‌کننده:

**به دنبال پیدا کردن
یک پاسخ مطلق و قطعی نبودیم**

این چندمین تجربه‌ی شما در مقام تهیه‌کننده بوده است؟ این مستند اولین تجربه‌ی من، به عنوان تهیه‌کننده است. برای ساخت این مستند، جهت فراهم کردن تجهیزات و مشورت پیرامون مسائل فنی، از همراهی دوستان عزیز پیروی کردیم، اما بخش اصلی کار توسط من و همسر آقای امیررضا جوادی انجام شده است.

در مورد ماهیت این مستند و موضوعی که به آن می‌پردازد بگویید.

آنچه در «زیبا، لذیذ، مبتذل» به آن پرداختیم و به امید خدا در کارهای بعدی هم ادامه خواهد داشت، به نوعی مسائل شخصی ماست که با توجه به رشته تحصیلی و آنچه احساس می‌کنیم که می‌تواند برای جامعه مفید باشد، انتخاب شده است. امیدوار هستیم که این اثر بتواند حتی به اندازه یک قدم بسیار کوچک، برای افرادی که ممکن است در این حوزه‌ها دغدغه‌های مشابهی داشته باشند، مفید واقع شود. ما در این مستند اصلاً به دنبال پیدا کردن یک پاسخ مطلق و قطعی نبودیم. با پیش رفتن مصاحبه‌ها و بسط و عمق یافتن موضوع، به این مسأله می‌پردازیم که اساساً آثار هنری، و به طور نمونه آثار موسیقایی، چگونه قابل ارزیابی هستند. یکی از منتقدین مطرح کرده بود که این فیلم را می‌توان به کل آثار هنری تعمیم داد و این برای من بسیار خوشحال‌کننده بود، چون دقیقاً همان چیزی بود که ما مدنظر داشتیم. محور و موضوع اساسی فیلم دقیقاً همین است: بررسی امکان ارزش گذاری آثار هنری و به طور خاص آثار موسیقایی. ما در مصاحبه با متخصصین حوزه‌های مختلف مانند فلسفه، فلسفه‌ی هنر، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم اعصاب و موسیقی، سعی کردیم بدون آنکه به دنبال پاسخ نهایی و قطعی باشیم به این پرسش عمیق بپردازیم و به ابعاد، زوایا و لایه‌های دیگر موضوع بپردازیم.

در بحث تهیه‌ی این فیلم چه چالش‌هایی وجود داشت و با چه مسائلی روبه‌رو شدید؟

ساخت این فیلم، از ابتدا تا به انتها، حدود پنج سال زمان برد. این مستند، یک بخش پژوهش بسیار سنگین و جدی داشت که بر عهده‌ی آقای جوادی بود. اما در کنار پژوهش، مرحله‌ی اجرا و هماهنگی با عزیزانی که به عنوان مصاحبه‌شونده حضور داشتند، کاری بسیار زمان‌بر و دشوار بود. البته دسترسی و مصاحبه با برخی از اساتیدی که مثلاً در فضای دانشگاهی فعالیت داشتند، آسان‌تر بود، اما اساساً هماهنگی با افرادی که به نوعی سلبریتی محسوب می‌شدند، اصلاً کار ساده‌ای نبود و جلب اعتمادشان برای مصاحبه نیز مسأله‌ی مهمی بود. در این مسیر تلاش ما بر این بود که آنها مطمئن شوند کار ما جنجالی یا حاشیه‌ساز نیست؛ خود ما هم اساساً چنین رویکردی نداشتیم و بیشتر بر جنبه‌ی موضوعی و دغدغه‌ی اصلی تمرکز داشتیم، به‌گونه‌ای که هم به لحاظ ساختار روایی و بصری جذاب باشد و هم از غنای تحلیلی مناسبی برخوردار باشد. همچنین حضور برخی افراد مقابل دوربین نیز خود مسأله‌ای بود.

پس از آن، مرحله‌ی تدوین بود که کاری جدی می‌طلبید، چراکه تعداد زیادی مصاحبه داشتیم که مطالب بسیار خوبی در آن‌ها جمع‌آوری شده بود، اما تبدیل این حجم از محتوا به یک فیلم سینمایی که هم از نظر علمی قابل اعتنا باشد و هم از نظر بصری و جذابیت بتواند مخاطب را درگیر کند، به‌گونه‌ای که واقعاً بتوان نام «فیلم» بر آن گذاشت، کار آسانی نبود. بخش مهمی از این فرآیند، با کمک گرفتن از آرشیهایی که آقایان جوادی و فکور تهیه کرده بودند پیش رفت. هر دو تدوین‌گر ما هم، آقای فکور و خانم پرهیزی، زحمت زیادی برای این کار کشیدند و ما برای رسیدن به نتیجه نهایی رفت‌وآمدهای فراوان، مشورت‌ها و گفت‌وگوهای مکرری داشتیم. پس از نهایی شدن فیلم، برای بخش و دریافت مجوز و پروانه‌ی اکران، چند مورد اصلاح و

در زمینه‌ی انتخاب افرادی که باید با آن‌ها مصاحبه می‌شد، چه فاکتورهایی بیشتر مدنظر شما بود؟ راستش اگر بدون تعارف بگویم، بیش از همه، بزرگی و جایگاه آن‌ها و این‌که بتوانند به لحاظ نظری درباره‌ی موسیقی صحبت کنند، اهمیت داشت. یعنی جایگاه و تخصص‌شان و اینکه در این حوزه صاحب‌نظر باشند و بتوانند مسائل را تبیین کرده و درباره‌اش صحبت کنند.

با توجه به این‌که این اولین تجربه‌ی مستندسازی شماست و رشته‌ی تحصیلی‌تان سینما نبوده، با چه چالش‌هایی روبه‌رو شدید؟ آیا دنیای مستند همان‌گونه بود که تصور می‌کردید یا تاژگی‌ها و شگفتی‌های دیگری هم برای شما داشت؟ در مجموع، دنیای مستند جذابیت‌های زیادی برای من داشت. اما در عین حال نکاتی هم وجود داشت که تا حدی محدودیت ایجاد می‌کرد. با این حال، خوشحالم که وارد این حوزه شدم و این فیلم را ساختم و از نتیجه‌ی کار راضی هستم هرچند که مستندسازی کار دشواری است و پیش بردن آن عزم راسخی می‌طلبید. به‌عنوان مثال، دسترسی به بسیاری از مهمانانی که با آن‌ها صحبت کردم، واقعاً دشوار بود و نیاز به اصرار، پافشاری و کم‌نیارودن داشت تا در نهایت اثر بتواند به یک فیلم جذاب و قابل استفاده تبدیل شود.

انتخاب تدوینگران کار به چه صورت بود؟

من از قبل با آقای فکور آشنایی داشتم و دوستی مان به پیش از همکاری برای این اثر بازمی‌گردد. زمانی که قرار شد تدوینگر کار را انتخاب کنم، با چند نفر از تدوینگران مختلف صحبت کردم، اما احساس کردم آقای فکور بیش از دیگران آن چیزی را که من می‌خواهم درک می‌کند و به نسبت دیگر تدوین‌گرانی که با آن‌ها گفتگو کرده بودیم، زبان مشترک و درک بیشتری از یکدیگر داشتیم.

فارغ از اینکه خود نیز از مستند بسیار لذت بردم، احساس کردم مخاطبان نیز همین حس‌وحال را داشتند و تشویق‌های پایان برنامه هم نشان دهنده همین امر بود. اما پس از اکران افتتاحیه تا این لحظه چه بازخوردهایی گرفته‌اید و آیا استقبال از این مستند رضایت‌بخش بوده است؟

راستش من خیلی در جریان فروش نیستم و اطلاعات مربوط به فروش را در واقع مجموعه‌ی «هنر و تجربه» باید در اختیار ما قرار دهد. با این حال، در حدی که در اینستاگرام و فضاهای مشابه تبلیغ کرده‌ایم و بازخورد گرفته‌ایم، خدا را شکر خوب بوده است. یعنی تا این لحظه موردی یا مثلاً نقد بسیار جدی با مخالفت خاصی نسبت به کار مطرح نشده است. البته منظورم از نقد، نقد تخصصی نیست، بلکه بیشتر مخالفت یا واکنش منفی مدنظرم است که چنین چیزی هنوز اتفاق نیفتاده است. با این حال، برای ما بسیار مهم است که منتقدان فیلم را ببینند، نظرشان را بیان کنند و ما بتوانیم از آن استفاده کنیم. از سویی از آنجا که کاملاً مستقل هستیم و به هیچ‌جا وصل نیستیم، مسئله‌ی تبلیغات برایمان بسیار دشوار است؛ یعنی هم هزینه‌بر است و هم برد تبلیغاتی ما بسیار محدود است و متأسفانه حتی مانند دیگر فیلم‌های موجود نیز نتوانستیم آن‌گونه که می‌خواهیم تبلیغ انجام دهیم. به همین خاطر، این موضوع یکی از نقاط ضعف کار به‌شمار می‌آید که احساس می‌کنم می‌شد بیشتر روی آن کار کرد.

سانسور وجود داشت که رسیدگی به آن‌ها نیز مدتی زمان برد تا این فرایند به سرانجام برسد. این مرحله هم زمان‌بر بود و هم، با توجه به شرایطی که در آن زندگی می‌کنیم، اجتناب‌ناپذیر. البته فیلم دچار سانسور گسترده‌ای نشد، اما همان دوسه مورد هم نیازمند رسیدگی و صرف زمان داشت.

همکاری گروه سینمایی «هنر و تجربه» برای اکران فیلم چگونه بود؟

به نظر من همکاری و ارتباط سازنده‌ی بین ما و گروه هنر و تجربه برقرار شد و در این مسیر از همراهی این مجموعه ممنون هستیم.



ناصر فکور
تدوین‌گر:

**اختلاف نظر در تدوین
نقطه قوت است نه ضعف**

در ساخت مستند، تدوین از اهمیت و تأثیرگذاری بسیار بالایی برخوردار است و از بازخورد اکران افتتاحیه نیز چنین برمی‌آید که تدوین این مستند توجه مخاطب را به خود جلب کرده است. پیرو همین امر لطفاً ابتدا درباره فعالیت‌تان در حوزه تدوین بگویید.

تدوین این اثر را بنده به همراه همسر، خانم آیدین پرهیزی، به صورت مشترک انجام دادیم. به طور کلی، فعالیت اصلی ما تدوین است و چه در آثار داستانی، چه مستند و حتی در حوزه انیمیشن تجربه کار و فعالیت داریم. روشی که طی چند سال گذشته آن آرزومه‌ایم و پیش‌تر نیز در مستندی با عنوان «ماجرای سال آخر» از آن استفاده کرده بودیم، این بود که تدوین را بر اساس اصول روان‌شناسی و متناسب با حال‌وهوا و اتمسفر هر سکانس انجام دهیم. به این معنا که اگر در بخشی قصد انتقال حس کسالت به مخاطب را داشتیم، ریتم کندتری را انتخاب می‌کردیم و اگر هدف ایجاد هیجان بود، از ریتم تندتر و تمپوی بالاتر استفاده می‌کردیم. نمونه بارز این رویکرد در این اثر، استفاده از موسیقی در سکانس‌ها بود. برای مثال، در جایی که خانم مهربان صحبت می‌کنند، این پرسش مطرح می‌شود که اگر موسیقی سنتی روی تصاویر بسکتبال قرار داده شود، میزان تأثیرگذاری آن در مقایسه با زمانی که موسیقی پاپ روی همان تصاویر قرار می‌گیرد، چگونه خواهد بود. دیدگاه ما این بود که تدوین باید در خدمت و متناسب با اقتضای سکانس باشد. یعنی همان اتمسفری که سکانس طلب می‌کند را ایجاد کند. این رویکرد باعث شد که در بخش‌هایی از کار، جنبه‌های کم‌دی نیز به کمک اثر بیاید و ریتم بالاتر برود. البته ما پس از آزمون‌های بسیار متعدد به این نتیجه رسیدیم. دلیل طولانی شدن فرآیند تدوین نیز این بود که در ابتدا سعی و هفت تا سی وهشت نفر مصاحبه‌شونده داشتیم که در نهایت به سی و پنج نفر کاهش یافتند. ما با نزدیک به صد ساعت راش، جدا از تصاویر آرشیوی، مواجه بودیم و لازم بود کاری انجام دهیم که به انسجام برسیم و مخاطب را تا دقیقه آخر با اثر همراه نگه داریم. از سوی دیگر و یکی از مهم‌ترین چالش‌های ما این بود

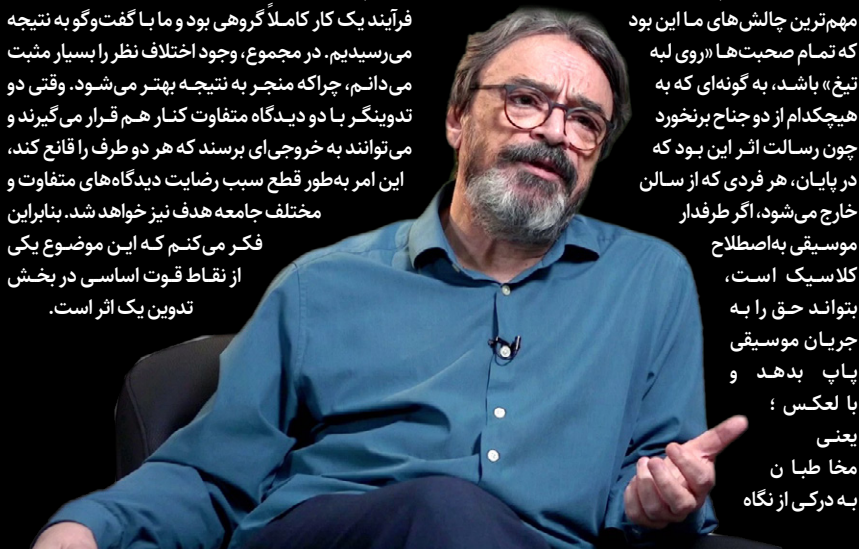
مقابل خود رسیده باشد. اگر نگاهی کلان‌تر داشته باشیم و بجای موسیقی یک هنر دیگر را در این موقعیت قرار دهیم و به چالش بکشیم، باز هم اثر ظرفیت لازم را دارد و همان کارکرد مستندگونه خود را حفظ می‌کند. این رویکرد حتی به امور اجتماعی و زندگی روزمره نیز قابل تعمیم است؛ به این معنا که هر مقوله‌ای را می‌توان به گونه‌ای مطرح کرد که طرف مقابل نسبت به نقد پذیرش داشته باشد و این را درک کند که هر فردی حق دارد حتی در یک اتاق، با دیدگاهی مخالف دیدگاه شما زندگی کند و این نگاه، در چارچوب کلی این مستند قرار دارد و همین امر بار روان‌شناختی و فلسفی اثر را بسیار سنگین می‌کند به همین علت نمی‌توانستیم هر دیالوگی را انتخاب کنیم زیرا در غیر این صورت، پاسکاری‌ها درست شکل نمی‌گرفت و نتیجه یا سویه‌دار می‌شد و سخت‌ترین بخش کار نیز دقیقاً همین موضوع بود.

در خصوص بخش کم‌دی، شوخی و نگاه طنزآمیزی که در اثر وجود دارد به چه صورت پیش رفتید؟

امیررضا جوادی کارگردان اثر، در ابتدا نسبت به این بخش نگرانی‌هایی داشت. از سویی نیز این مستند از نظر پژوهشی، اثری بسیار قدرتمند و جذاب محسوب می‌شد به همین دلیل ما نمی‌توانستیم به راحتی کارگردان را قانع کنیم که وجود برخی شوخی‌ها در اثر ضروری است. ممکن است برخی مفاهیم سنگین در فضایی مانند دانشگاه که ظرفیت پذیرش چنین مباحثی را دارد، به‌خوبی دیده و درک شود اما در اینجا ما با کفه دیگر ترازو موسیقی عامه پسند را داشتیم. موسیقی‌ای که عده‌ای آن را رد می‌کنند و اساساً حرف ما این بود که جناح‌های مختلف به هم نزدیک شوند. برای اینکه بتوانید مستندی با این حجم از مفاهیم سنگین موسیقایی، اجتماعی و فلسفی را برای مخاطب عام به گونه‌ای عرضه کنید که این مفاهیم منتقل شوند، باید ریتمی داشته باشید که مخاطب را روی صندلی نگه دارد و در خلال آن، هر اندیشه و پیامی که مدنظر دارید به او انتقال دهید. بنابراین لازمی کاری بود که شوخی‌هایی در اثر گنجانده شود تا مخاطب از حالت رخوت و کسالت خارج شود. انرژی بگیرد و دوباره آمادگی شنیدن یک بحث سنگین را پیدا کند. دقیقاً ریتم کلی فیلم نیز بر همین اساس پیش رفت، یعنی ما به ازای تصویری برای گفتگوها و شوخی‌هایی که ما را در مسیر نگه دارد. برای مثال، برخی تصور می‌کردند مربع‌های مشکی که روی تصویر قرار داده شده، نشانه سانسور است؛ در حالی که اصلاً چنین نبود. این‌ها همان شوخی‌ها و عناصر کم‌دی‌ای بودند که ما تماماً به کار بردیم تا ذهن مخاطب فعال و هشیار بماند و دچار کسالت نشود. این عناصر فان باعث می‌شد مخاطب از کسالت دور شده، ناگهان هشیار شود.

با توجه به اینکه دیگر تدوینگر این پروژه، همسر شما بوده، آیا وجود دو نگاه متفاوت در مسئله تدوین چالشی ایجاد می‌کرد و لحظاتی بوده که در مورد حفظ یا حذف بخش‌هایی اختلاف نظر داشته باشید؟

بله، در برخی بخش‌ها اختلاف نظر وجود داشت. معمولاً من توضیحات و استدلال‌های خودم را مطرح می‌کردم و اگر می‌توانستم، همسرم را قانع کنم که استدلال من بر چه اساسی است. این بار ایشان نیز سعی می‌کردند مرا قانع کنند که اگرچه استدلالم درست است اما انتخاب یا ریتم مورد نظر من اشتباه است. در هر صورت، کل این فرآیند یک کار کاملاً گروهی بود و ما با گفت‌وگو به نتیجه می‌رسیدیم. در مجموع، وجود اختلاف نظر را بسیار مثبت می‌دانم، چراکه منجر به نتیجه بهتر می‌شود. وقتی دو تدوینگر با دو دیدگاه متفاوت کنار هم قرار می‌گیرند و می‌توانند به خروجی‌ای برسند که هر دو طرف را قانع کند، این امر به طور قطع سبب رضایت دیدگاه‌های متفاوت و مختلف جامعه هدف نیز خواهد شد. بنابراین فکر می‌کنم که این موضوع یکی از نقاط قوت اساسی در بخش تدوین یک اثر است.



که تمام صحبت‌ها «روی لبه تیغ» باشد، به گونه‌ای که به هیچ‌کدام از دو جناح برنخورد چون رسالت اثر این بود که در پایان، هر فردی که از سالن خارج می‌شود، اگر طرفدار موسیقی به اصطلاح کلاسیک است، بتواند حق را به جریان موسیقی پاپ بدهد و بالعکس؛ یعنی مخاطبان به درکی از نگاه

